

بازنمایی فریضه «نماز» در چیستان‌های عامه

سید علیرضا هاشمی^۱

چکیده

در فرهنگ مردم هر قوم و ملتی ویژگی‌های مشترک و متفاوتی وجود دارد؛ چیستان‌ها از عناصر مشترک هر قوم و ملتی است. چیستان‌ها در شمار گونه‌های آفرینش ادبی ذهن آدمیزادگان هستند که بخشی از فرهنگ عامه را به وجود می‌آورند و از آنها به ادبیات شفاهی هم یاد می‌کنند. در میان مردم مسلمان ما، نماز که از ارکان دین به شمار می‌آید؛ موضوع و دستمایه‌ای برای طرح چیستان‌هایی در این خصوص است که با توجه به کارکرد آموزشی و فراغتی آن، مورد توجه نوباوگان و خانواده‌ها قرار داشته و سال‌های متمادی سینه به سینه و نسل به نسل انتقال یافته است.

کلیدواژه‌ها: چیستان، نماز، وقت نماز، رکعت، نمازهای یومیه، نماز میت، معما

۱. دانشجوی دکتری فولکلور دانشگاه ملی تاجیکستان 400hashemi@gmail.com

مقدمه

چیستان‌ها بخشی از میراث نیک گذشتگان می‌باشد که طی سال‌ها و نسل‌ها سینه به سینه انتقال یافته‌اند. اصطلاح «چیستان» از عبارت «چیست آن» اخذ شده است و معنی آن تصویر مجازی علامت و نشانه‌های گوناگون اشیا و حوادث زندگی می‌باشد. (صوفی زاده، ۱۳۷۲: ۳۶) چیستان‌ها در شمار گونه‌های آفرینش ادبی ذهن آدمیزادگان، مانند اسطوره، افسانه، قصه و ضرب‌المثل هستند (امام‌اهوازی، ۱۳۷۹: ۲۰) که بخشی از فرهنگ عامه را به وجود می‌آورند و از آنها به ادبیات شفاهی نیز یاد می‌کنند. این چیستان‌ها روزگاری دل‌مشغولی و شیرین‌ترین لحظات مردم را شامل می‌شد و آنها در شب‌نشینی‌ها و در کنار برخی بازی‌ها و سرگرمی‌ها به طرح چیستان می‌پرداختند و ساعت‌ها خود را مشغول می‌ساختند و به لطف حلاوت شیرینی جملات نظم و نثر به رمز و راز هستی و چیستی‌هایش آشنا می‌شدند. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۷۱-۷۲)

چیستان مانند چراغی است که در دل تاریکی از طرف مرد کهنسال به خردسالی داده می‌شود. این تشبیه در واقع نماد تبادل تجربه بین نسل‌ها است. در این فرایند، هر دو طرف درگیر این بازی، در حال ارتقای دانش و بصیرت هستند. شاید بتوان گفت چیستان‌ها نسل‌ها را به هم پیوند می‌دهند تا این نسل‌ها امکان تجربه کردن اسرار پر رمز و راز نمونه نخستین را پیدا کنند. (استفانوا، ۱۳۸۷: ۱۵۳) از این رو چیستان‌ها برای نوباوگان آموزه‌ای تعلیمی و برای بزرگترها آشنایی با رمز و راز هستی و چیستی‌هایش بود؛ چرا که در محیط‌های درس و مشق از جمله مکتب‌خانه‌ها نیز چیستان‌ها به عنوان نوعی سرگرمی و آموزش غیرمستقیم کاربرد داشت و نوآموزان به فراخور حال خود از طریق مکتب‌دارها با آن سرگرم می‌شدند.

بررسی چیستان‌ها در ادبیات شفاهی و حجم آنها در موضوعات مختلف، نشان از غنای فرهنگ مردم کشورمان دارد؛ به طوری که برخی از این چیستان‌ها حتی در موضوعات دینی نیز موضوعیت یافته و پاسخ آنها یکی از مفاهیم حوزه دین یا اعمال عبادی را شامل می‌گردد. «نماز» از جمله موضوعاتی است که با کنکاش در چیستان‌های فرهنگ مردم می‌توان مواردی را یافت که مضمون جمله یا ابیات چیستان مستقیماً به فریضه عبادی نماز اشاره دارد و پاسخ چیستان نیز مستقیماً به واژه «نماز» دلالت می‌کند.

باید اشاره نمود، آنچه زیبایی و دلنشین بودن چیستان‌های مربوط به «نماز» را دوچندان می‌کند؛ تعابیر، استعارات و استفاده از صنایع بدیع ادبی در سؤال چیستان‌ها است که مخاطب از پس این جملات و ابیات شیرین، در نهایت به پاسخ «نماز» می‌رسد.

در این جستار به طرح چیستان‌هایی با موضوع نماز، پرداخته می‌شود؛ باشد که این مطلب مقدمه‌ای گردد برای جستجوی عمیق‌تر در چیستان‌ها، بخصوص چیستان‌هایی با مضامین دینی که زمانی میان مردم روستایی و شهری رایج بوده است.

چیستان‌هایی که سؤال آن با تعابیر و استعاره‌های خاص، بیانگر عمل عبادی «نماز» به عنوان پاسخ می‌باشد به این شرح‌اند:

الف- تشبیه به اتاق و ساختمان

از آنجا که نماز «ستون» و نگهدارنده دین است و در هر بنا، اتاق‌ها و اجزای دیگر ساختمان بر روی ستون‌ها استوار می‌شود؛ در چیستان‌ها نمازهای یومیه به مانند اجزای ساختمان بر روی ستون بنا، تشبیه شده‌اند؛ مانند این چیستان از درگز خراسان: «چهار باغ و چهار طاق و هفت ایوان بر سر است

این دو در دارد که از در بهشت بهتر است»^۱

(کری، درگز، ۱۳۷۰)

در ایذه خوزستان نیز این بیت سؤال چیستان را تشکیل می‌دهد:

«چهار طاق، چهار باغ، هفت ایوان، دو در است

هر کس این معنی نداند، از خدا بی‌خبر است»

(نوروزی، ایذه، ۱۳۷۷)

پیداست که در این چیستان‌ها، رکعت‌های نمازهای یومیه، با تأکید بر نماز صبح بیان می‌شود.

ب- تشبیه به گوهر

در میان اعمال دینی یک مسلمان، فریضه نماز همچون گوهری می‌درخشد. این

۱. یا دو در که از هر دری محکم تر است (عبدالله‌زاده، دامغان، ۱۳۶۶) یا از هر دری بلندتر است (ثباتی، تربت

حیدریه، ۱۳۷۵)

تشبیه دستمایه‌ای است برای سؤال چیستان که پاسخ آن همانا «نماز» است. برای نمونه در سبزواری این چیستان در مورد نمازهای یومیه بیان می‌شود: «در بیابونا می‌گشتم، لذت چار را بردم، چار دانه گوهر یافتم، چار دیگر یافتم، هفت برادر با دو خواهر یافتم.» (سید معصومی، سبزواری، ۱۳۶۲) یا در اصفهان گفته می‌شود: «در بیابانی می‌گشتم چهار گوهر یافتم، لذت چهار دیدم و چهار دیگر یافتم، مطبخی دیدم بی آب و آتش، در میان هفت خواهر دو برادر یافتم.» (کریمی، اصفهان، ۱۳۶۶)

چهار گوهر نخست چهار رکعت نماز ظهر است و چهار گوهر دیگر نماز عصر؛ هفت برادر و دو خواهر نیز رکعت‌های نماز مغرب و عشا و صبح هستند.



پ- تمثیل آفتاب و سایه

مضمون آفتاب و سایه که در این چیستان‌های با مضمون نماز به کار برده شده، گویای روز و شب و اوقات شرعی نماز است و اینکه رکعت‌های نمازهای یومیه در هنگام شب یا روز با یکدیگر متفاوت هستند.

در این خصوص چیستانی از جهرم فارس بدین عبارت است: «یه اتاقی هفده در

داره، هشت تا درش رو به آفتو واز می‌شه، نُه تاش رو سایه. ای چه هه؟» (مؤمن‌زاده، جهرم، ۱۳۶۰) مشابه این چیستان در گیلان چنین است: «عجب حالی دانه تی همسایه هشت در افتو، نُه در سایه؟» (امیری، گیلان، ۱۳۷۷) در سیرجان نیز این چیستان اینگونه بیان می‌شود: «درختی دارم هفده تا شاخه داره، هشت تای آن تو آفتابند و نُه تای آن تو سایه؛ اگر شاخه‌هایی که تو آفتاب هستند به سایه برسند، می‌سوزند و همچنین شاخه‌هایی که تو سایه هستند به آفتاب برسند، می‌سوزند.» (ایران‌نژاد، سیرجان، ۱۳۷۵) در این چیستان‌ها هشت در رو به آفتاب، هشت رکعت نمازهای ظهر و عصر است و نُه در رو به سایه بقیه رکعت‌های نمازهای یومیه هستند.

ت- تمثیل درخت

تمثیل آفتاب و سایه با استفاده از درخت نیز در چیستان‌ها به کار گرفته شده است، برای مثال می‌گویند: «کدام درختی است که هفده شاخه دارد؛ هشت تای آن در آفتاب و نُه تای آن در سایه است؟» (بهریان، همدان، ۱۳۷۰) و میوه آن در بهشت است. (ایمانی، اصفهان، ۱۳۶۶) همچنین در این چیستان که در تاکستان رواج دارد از تمثیل درخت برای بیان شکایات نماز استفاده کرده است: «در باغ ایمان کدام درخت بیست و سه شاخه است که میوه هشت شاخه آن فاسد است؛ میوه شش شاخه آن ناقابل است و به میوه نُه شاخه آن توجهی قائل است؟» (طاهری، تاکستان، ۱۳۶۷) گاهی نیز تشبیه سال، چهار فصل، دوازده ماه و سی روز آن بر درخت منطبق گردیده و چیستانی که پاسخ آن نماز است از آن استخراج گردیده است؛ مثلاً در میناب چنین چیستانی با این ابیات وجود دارد:

عجایب صنعتی حق آفریده	ده و دو شاخه دارد هر که دیده
ده و دو شاخه دارد همه دانه	سر هر دانه‌ای پنج آفریده

(حسین‌پور، میناب، ۱۳۷۰)

که در این چیستان منظور از پنج آفریده، پنج وقت نماز است.

ث - تعبیر عددی

بازی با اعداد نیز در شکل دادن به بعضی چیستان‌های در خصوص «نماز» نقش داشته است:

ما پنج عددیم ز نه وطن آمده‌ایم با هشت و شش و سه در سخن آمده‌ایم
 حق به ما دوست، خلق به ما دشمن از بهر گلی به این چمن آمده‌ایم
 (حیدری، میناب، ۱۳۶۶)

در اینجا مقصود از نه وطن، دو، سه و چهار رکعت نمازهاست و هشت و شش و



سه، هفده رکعت نمازهای یومیه است؛ گلی هم که در بیت آخر به آن اشاره شده، نماز است. در اصفهان نیز این چنین می‌گویند: «این چه پنجه‌ای است که پانزده تا ازش کسر کنیم، دو رکعت باقی می‌ماند؟» (گلبن، اصفهان، ۱۳۶۷) یا این چیستان: «چنه چنه، ملا لب لعل تو قنده، سخن‌های تو شکر و دلپسنده، ز پنج پانزده بدر، باقیش چنده؟» (یار احمدی، خرم آباد، ۱۳۶۲)

دیگر تعبیرهای عددی این چیستان

چنین است: «آن چیست که ده و هفت را بر همه واجب کرده؟» (مهدوی، شیراز، ۱۳۷۲) یا: «این چی چیه، هفت و هشت و دو، حکم می‌کنه به تو؟» (کریمی، اصفهان، ۱۳۶۶) یا «هفت و هشت و دو، سری هه د تو گرینی یا ولی کری؟» «hafto hašto do, sari he» (فرخی، زرین آباد، ۱۳۶۰) به این معنی که هفت است و هشت و دو، سرش از تو دست می‌گیرد یا ولش می‌کنید؟ در زبان ترکی نیز این چیستان بدین صورت بیان می‌شود: «بو نمدی، یدی و سگیز و ایکی، اگر بیلینس بونون جوابو نمدی؟» «bu namanadi yeddio sagizo iki agar bilisan bunun javabu»

namanadi) (حسنعلی، همدان، ۱۳۶۶)، یعنی آن چیست که هفت و هشت و دو، اگر جواب آن را می‌دانی بگو؟

این چیستان نیز با استفاده از ابهام و از طریق اعداد به نمازهای پنج‌گانه اشاره دارد: «آن پنج که شش ندارد.» (مهربان، کازرون، ۱۳۶۷)

ج- تعبیر حروفی

در برخی مناطق از حروف برای ساختن چیستان‌های مربوط به نماز استفاده کرده‌اند، مانند:

یک میم دو دال دو لام	این پنج حرف را چیست نام؟
هر که داند؛ داند، هر که نداند	زن در خانه او هست حرام
	(رضوانی، بی‌جا، ۱۳۶۶)

مقصود آن است که در وقت نماز هنگام رفتن به سجده، سر روی مهر مانند میم و دو دست مانند دال و دو پا مانند دو دال است.

مثال دیگر از منطقه شبانکاره فارس است؛ در این چیستان آمده است:

دفتر دانش مرا افتاد روزی از بغل
هر چه گشتم در جهان نایافتم من در غزل
هاتفی گفتا برو در کوچه کاف و دو لام

از سه جیم و پنج ب، بگذر که یابی این کلام

(قربانی، شبانکاره، ۱۳۶۶)

یا:

این چیست ای نیکو خصال	پنج آینه بینی جمال
گاهی کند قدت چو شمع	گاهی کمر مانند دال
گاهی به خاکت افکند	گاهی از اوصاف جلال
هر جا روی هم‌ره بری	با خود نمایی انتقال
هفده الف باشد سرش	بعد از الف، هفده هلال

(مساعی، شهرضا، ۱۳۶۲ / وارسته‌اکمل، بوجین، اسدآباد، ۱۳۶۶)

چ- تعبیر خواهری و برادری

خواهر و برادر بودن نمازها تعبیر دیگری است که در چیستان‌های مربوط به نماز به کار می‌رود:

چیست از یک پدر و مادر
در شب و روز زاده پنج پسر
(موگویی، کمران، ۱۳۶۵)

یا:

بیا بشنوحديث پنج برادر
میان پنج پسر دختر نباشد
که میراث پدر هفده تومان زر
کدام یک می‌برد میراث کمتر
(مهدوی، شیراز، ۱۳۷۲)

که البته در این چیستان پاسخ نماز صبح است.

یا «پنج پسر از یک پدر و مادر، اولی دو برده، دومی سه و آن سه تن بردند هر یک چهار بهر.» (موسایی، بندرگناوه، ۱۳۶۰) یا: «سه برادر هستند یکی دو بهر دارد، یکی هفت بهر و دیگری هشت بهر.» (امینی، ممسنی، ۱۳۶۶)

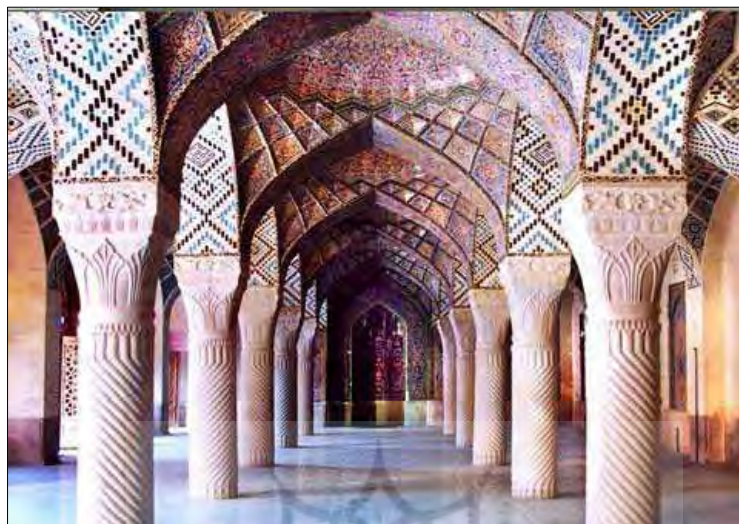
ح- صور دیگر

علاوه بر مطالبی که اشاره شد، چیستان‌های «نماز» در صورت‌های دیگر نیز آمده‌اند؛ مانند این چیستان که دارای وزن است:

دو ستون اندر میان از سیم خام
از طلای آحمر و از زر فام
هشت تیر بر زیر سقف بگذاشته
شد سه گنبد روی سقفش برقرار
رنگ آبی در بُن فیروزه جام
چهار بیرق روی بامش استوار
پنج بلبل خوشنوا کرده کنام
چشم حق‌بینان همیشه سوی اوست
از حریر و رنگ آنها مشک فام
بر فراز برج و باروهای او

بارک الله زین سرای پر مقام

(مساعی، شهرضا، ۱۳۶۴)



در این چیستان دو ستون، منظور دو رکعت نماز صبح است؛ هشت تیر نمازهای صبح و عصر هستند. سه گنبد نماز مغرب، چهار بیرق نماز عشاء و پنج بلبل نیز پنج وقت نماز هستند.

همچنین این چیستان شعری:

شب تا به سحر نالم، آیاتِ تو را خوانم

بر سرش نشین جانا، بین چه خوش صفا دارم

(زالپور، دزفول، ۱۳۶۲)

پاسخ این چیستان نمد سجّاده، یا همان جانماز است که سابق بر این بر حاشیه آن آیه یا شعری می‌نوشتند و از نمد ساخته می‌شد.

این چیستان‌ها نیز در نوع خود جالب است: «آن چه شماره تلفنی است که با آن می‌توان با خداوند ارتباط برقرار کرد؟» (حسینی، فارس، ۱۳۶۶) در این چیستان شماره‌های رکعت‌های نماز (۲۴۴۳۴)، پاسخ چیستان هستند یا این شعر:

آن چه چیز است، نال نالان می‌رود جان ندارد از پی جان می‌رود

پنج پا دارد معلق در هوا حکمش از شاه خراسان می‌رود

(حیدری، میناب، ۱۳۶۶)

گاهی چیستان‌هایی در مورد نماز میّت طرح شده‌اند، مانند:

«آن چه نمازی است که می‌خوانم، اما رکوع و سجود ندارد؟» (صادقی، الیگودرز، ۱۳۷۰) یا: «آن چه نمازی است که به وضو احتیاج ندارد؟» (خرمی، کاشان، ۱۳۶۶) یا: «آب حاضر، وضو غیر لازم، نماز واجب!» (صادقی، رودبار، ۱۳۶۷)

همانطور که اشاره شد چیستان‌های در مورد نماز صور متنوعی دارند. نمونه‌های دیگر مواردی است که به نحوی با موضوع نماز ارتباط دارند؛ مانند این چیستان: «کدام پیامبر است که در مسجد گوشتی نماز خواند». (هاشم نیا، گروس، ۱۳۶۷) پاسخ آن حضرت یونس است که در شکم نهنگ - یا ماهی - نماز خواند. یا: «چه کلامی در نماز است که اگر بگوییم نماز باطل است و اگر هم نگوییم نماز باطل است؟» (رستمی، ملایر، ۱۳۶۶) پاسخ این چیستان نیت نماز است یا «اون چه ذکریه که برای نماز می‌شه در حرکت گفت؟» (مهدی پور، شهر کرد، ۱۳۶۵) که منظور اذان است. یا: «آن چه جایی است که در تمام دنیا می‌شود نماز خواند، جز روی آن؟» (گچ فروش، دزفول، ۱۳۶۶) پاسخ این چیستان هم «بام خانه کعبه» است یا «اون چه نمازیه که هیچ وقت قضا نمی‌شه؟» (طاهری، تاکستان، ۱۳۶۲) که پاسخ آن نماز آیات است.

خ - معما

همانطور که در کتاب‌های ادبیات آمده است، معماها نیز نوعی چیستان هستند؛ «جز این که چیستان غالباً به طریق پرسش طرح می‌شود.» (یوسفی، ۱۳۷۱: ۱۱۴) و «پاسخ معما، با ساخت و ترکیب پیچیده و غامضش، بیش از لغز یا چیستان به اندیشیدن نیاز دارد» (امام‌اهوازی، ۱۳۷۹: ۲۴)؛ یا در دانشنامه ادب فارسی آمده است: «...چیستان از معما ساده‌تر است و به بیان صفات و ویژگی‌ها می‌پردازد؛ اما معما پیچیده‌تر بوده، تنها اشاره‌هایی به حروف اسم مورد نظر دارد.» (مقدسی، ۱۳۸۱: ۱۲۱۴/۲)



در خصوص نماز نیز می‌توان به معماهایی اشاره نمود، از جمله این معما که در تربت حیدریه رواج داشته است: «در خانه زنی با شوهر خود نشسته است. یک نفر در آن خانه نماز می‌خواند و نفر دیگر روزه دارد. یک نفر از بیرون وارد این خانه می‌شود. در این هنگام آن زن و مرد بر هم حرام می‌شوند و آن

کسی که نماز می‌خواند، نمازش باطل و آن کس که روزه داشته است، روزه‌اش باطل می‌شود. حال آن که به خانه وارد شده، کیست؟» (محمودی، تربت حیدریه، ۱۳۷۰) پاسخ این است: این مرد شوهر قبلی زن بود که به سفر رفته بود و پس از دو سال خبر می‌رسد که شوهرش مرده و زن به دستور حاکم شرع با مرد دیگری ازدواج می‌کند. او به دو نفر پول می‌دهد که یکی برای شوهر فوت شده‌اش نماز بخواند و دیگری روزه بگیرد؛ اما ناگهان شوهر قبلی زن از سفر می‌آید و آن زن بر آن مرد حرام می‌شود؛ چون زن نمی‌تواند در آن واحد دو شوهر داشته باشد، و آن کسی که نماز می‌خواند نمازش باطل می‌شود؛ چون مرد زنده است و آن دیگری هم که روزه بود روزه‌اش باطل می‌شود.

بالاخره این دو معمای کاشانی که یک نکته انحرافی ویژه دارد: «دو رفیق در راهی می‌رفتند، یکی از آنها بین راه مُرد. دوست او وسایل دفن او را آماده کرد و رفت یک آقا آورد تا نماز میت بخواند. در موقع سجده یک تیغ به چشم آقا فرو رفت و چشم او کور شد. حالا چه کسی باید دیه چشم آقا را بدهد؟ دوست میت، یا میت، یا اینکه آقا دیه را می‌بخشد؟» (معصومی، کاشان، ۱۳۶۶) پاسخ این معما هیچکدام است زیرا نماز میت سجده ندارد. معمای دوم این چنین است: «شخصی در حین خواندن نماز میت، به هنگام سجده، ناگهان سرش به لبه تابوت می‌خورد و پیشانی‌اش می‌شکند، به طوری که خون پیشانی او به کفن مرده غسل داده شده می‌خورد و آن را نجس می‌کند. حالا آیا باید مرده را دوباره غسل داد یا باید کفنش را عوض کرد یا چاره‌ای دیگر اندیشید؟» (همان) پاسخ این معما نیز این است که نماز میت سجده ندارد.

جمع بندی

همانطور که ملاحظه شد چیستان‌های مربوط به نماز دارای تنوع زیادی هستند و سؤال آن با تعابیر و استعاره‌های خاص بیان می‌شود. بی‌تردید جنبه‌های آموزشی و فکری چیستان‌ها و جایگاه آن در اوقات فراغت مردم موجب شده است که با وجود گسترش رسانه‌ها هنوز بیان آنها خالی از لطف نباشد. از این رو این ژانر ادبیات شفاهی هنوز با طرح در محافل خانوادگی، مکان‌های آموزشی و حتی رسانه‌های جمعی، می‌تواند مورد توجه و استقبال قرار می‌گیرد.

منابع الف) کتاب

۱. استفانوا، آنا (۱۳۸۷) «چیستان‌ها به عنوان یک پدیده روان‌شناختی در فولکلور»، ترجمه رضا خاشعی، فصلنامه نجوای فرهنگ، س ۳، ش ۷.
۲. امام (اهوازی)، محمدعلی (۱۳۷۹) چیستان نامه دزفولی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. صوفی‌زاده، اسدالله (۱۳۷۲) «چیستان و خصوصیات آن»، نشریه مردم گیاه (گاهنامه علمی و عاموی فرهنگ مردم تاجیکستان)، س ۱، ش ۱.
۴. مقدسی، مهناز (۱۳۸۱) فرهنگ‌نامه ادبی فارسی، دانشنامه ادب فارسی (۲)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. هاشمی، سید علیرضا (۱۳۸۶) «چیستان مقبول دیروز، مغفول امروز»، فصلنامه نجوای فرهنگ، س ۲، ش ۳.
۶. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۱) یادداشت‌هایی در زمینه فرهنگ و تاریخ، تهران: سخن.

ب) فرهنگیاران

۱. امیری، ماشالله، گیلان، ۱۳۷۷
۲. ابهریان، محمد، همدان، ۱۳۷۰
۳. ایران‌نژاد، عزیز الله، سیرجان، کرمان، ۱۳۷۵
۴. ایمانی، پویا، اصفهان، ۱۳۶۶
۵. امینی، سید علیرضا، ممسنی، فارس، ۱۳۶۶
۶. ثباتی، پروین، تربت‌حیدریه، خراسان، ۱۳۷۵
۷. حیدری، نصرالله، بنک‌کوه، میناب، هرمزگان، ۱۳۶۶
۸. حسینی، سید علی، بردنگان، ممسنی، فارس، ۱۳۶۶
۹. حسین‌پور، صالح، میناب، هرمزگان، ۱۳۷۰
۱۰. حسنعلی، محمد، همدان، ۱۳۶۶
۱۱. خرمی‌مشکانی، ابراهیم، کاشان، اصفهان، ۱۳۶۶
۱۲. رضوانی، رضا، بی‌جا، ۱۳۶۶

۱۳. رستمی، حسین، ملایر، همدان، ۱۳۶۶
۱۴. زالپور، ابوالقاسم، دزفول، خوزستان، ۱۳۶۲
۱۵. سید معصومی، سید محمد، سبزوار، خراسان، ۱۳۶۲
۱۶. صادقی، محمدباقر، الیگودرز، لرستان، ۱۳۷۰
۱۷. صادقی، عطاالله، رودبار، گیلان، ۱۳۶۷
۱۸. طاهری، حاج علی محمد، تاکستان، قزوین، ۱۳۶۷
۱۹. عبدالله‌زاده، غلامرضا، دامغان، سمنان، ۱۳۶۶
۲۰. فرخی، شریف، زرین‌آباد، ایلام، ۱۳۶۰
۲۱. قربانی، الیاس، شبانکاره، میمند، فارس، ۱۳۶۶
۲۲. کریمی، تیمور، اصفهان، ۱۳۶۶
۲۳. کری، گل افشان، درگز، خراسان، ۱۳۷۰
۲۴. گچ‌فروش، علی حسین، دزفول، خوزستان، ۱۳۶۶
۲۵. گلبان، حسین، اصفهان، ۱۳۶۷
۲۶. مؤمن‌زاده جهرمی، ابراهیم، جهرم، فارس، ۱۳۶۰
۲۷. معصومی سهیلی، سعید، کاشان، اصفهان، ۱۳۶۶
۲۸. مهدوی، مهرنوش، مرو دشت، شیراز، فارس، ۱۳۷۲
۲۹. مهدی‌پور، علی اکبر، شهرکرد، چهار محال و بختیاری، ۱۳۶۵
۳۰. موسایی، محمود، شول، بندر گناوه، بوشهر، ۱۳۶۰
۳۱. موگویی، صفرعلی، کمران، فریدن، اصفهان، ۱۳۶۵
۳۲. مساعی، ناصر، کروی، شهرضا، اصفهان، ۱۳۶۲
۳۳. مهربان، عبدالحسین، کازرون، فارس، ۱۳۶۷
۳۴. محمودی، خلیل، تربت حیدریه، خراسان، ۱۳۷۰
۳۵. نوروزی، علی، ایذه، خوزستان، ۱۳۶۶
۳۶. وارسته‌اکمل، رضا، بوجین، اسدآباد، همدان، ۱۳۶۶
۳۷. هاشم‌نیا، محمود، گروس، کردستان، ۱۳۶۷
۳۸. یاراحمدی، غلامعلی، رازان، خرم‌آباد، لرستان، ۱۳۶۲